

تاریخ و تمدن اسلامی، سال دوازدهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۷۱-۸۸

تجارت یمن در قلمرو رسولیان (۶۲۶-۸۵۸هـ)

ابراهیم محمدی^۲

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

هادی عالم زاده^۳

استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

یمن به سبب موقعیت ممتاز جغرافیایی و قراردادن بر سر راه‌های تجاری شرق و غرب، به‌ویژه مسیر جاده بخور پیوسته مرکز صادرات و واردات کالاهای مختلف بوده است. با سلطه رسولیان (۶۲۶-۸۵۸هـ) بر یمن ارتباطات بازرگانی با مناطق گوناگون، به‌ویژه هند، مصر و حجاز رونق بیشتری یافت؛ بازرگانان کالاها و محصولات یمن را از طریق دریا و پس از گذر از بنادر و جزایر متعدد به بنادر هند و مصر می‌رساندند و در برگشت، کالاهای گوناگون آن مناطق را به یمن وارد می‌کردند. علاوه بر تجارت با هند و مصر، یمن از طریق زمین و دریا با مناطق داخلی جزیره‌العرب به‌ویژه حجاز هم ارتباط تجاری داشت. این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که رونق تجاری یمن در دوره زمامداری رسولیان معلول چه عواملی بوده است؟ یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهد که در این دوره، تجارت یمن شرایطی متفاوت با دوره‌های پیش از آن را تجربه کرد؛ زیرا به‌علت استیلای مغولان بر شرق دور تا بغداد، راه‌های تجاری این مناطق ناامن گشت و در نتیجه راه تجاری دریای سرخ اهمیت یافت؛ این تحول مهم و ظهور تجار کارمی که تجارت میان سواحل مدیترانه و سواحل اقیانوس هند تا چین را از طریق دریای سرخ در اختیار و انحصار خود داشتند، سبب رونق فعالیت‌های تجاری در منطقه یمن گردید.

کلیدواژه‌ها: تاریخ تجارت در یمن، رسولیان، تجارت دریای سرخ، تجارت اقیانوس هند، تجار کارمی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۹

۲. رایانامه: mohammadi_brahim2000@yahoo.com

۳. رایانامه (مسئول مکاتبات): hd.alemzadeh@gmail.com

مقدمه

یمن سرزمینی است که از غرب به دریای سرخ، از شرق به دریای عمان، از شمال به طائف و از جنوب به دریای عرب و اقیانوس هند محدود است. این سرزمین که به عربستان خوشبخت^۴ نیز شهره است دارای بنادر مهمی چون عَدَن^۵، مِرْبَاط^۶ و مراکز اقتصادی چون تَعَزَّ^۷ و صَنَعَاء^۸ بود. انواع محصولات صنعتی و زراعی فراهم شده در این مراکز، توسط تجار و بازرگانان به مناطق مختلف در شرق و غرب مانند هند، چین، مصر و حجاز و سرزمین‌های دیگر صادر می‌شد.

تجارت در این دوره، بر شبکه‌ای از راه‌های کاروان‌رو و شهرهای بندری متکی بود. موقعیت جغرافیایی و نقش واسطه‌ای یمن میان تجار شرق و غرب و انتقال کانون‌های تجاری از خلیج فارس به دریای سرخ در آغاز سده هفتم هجری، به دلیل ناامنی ناشی از

۴. فیاض، ۵.

۵. عَدَن، از جمله شهرهای بندری مهم یمن است که در جنوب غرب یمن و کنار دریای عرب واقع است. اهمیت این شهر هم ناشی از وضع جغرافیایی و طبیعی آن بود؛ چون در مسیر کشتی‌هایی قرار داشت که از اقیانوس هند عازم دریای سرخ و قلمرو دولت روم یا سواحل آفریقا و مراکز بازرگانی آنجا بودند و می‌توانستند پس از طی مسافت‌های زیاد در آنجا لنگر انداخته و به‌رفع نیازهای خود و هم به مبادله کالا و دادوستد بپردازند. هم‌چنین عدن یکی از مراکز تجاری مهم بر سر راه بخور بود و عطریاتی چون عود، کندر، مشک، کافور، عنبر و وُرس (گیاهی چون کنجد) و غالب کالاهای وارداتی هند و چین در آنجا یافت می‌شد (مقدسی، ۹۸، ۱۰۱؛ حمیری، ۴۰۸).

۶. مِرْبَاط، ادیسی آن را به‌صورت مِرْبَاط ضَبْط کرده است (۷۵/۱)، شهری در جنوب یمن که میان حضرموت و عمان قرار داشت (قزوینی، ۶۱؛ بروسوی، ۵۸۴).

۷. تَعَزَّ، شهر منطقه کوهستانی جنوب یمن است. این شهر بر دامنه جبل صَبِر (عَدَنَه) واقع است. هرچند تاریخچه بنای این شهر به روایتی به سده سوم هجری باز می‌گردد، اما اهمیت و شهرت و رونق آن از اواخر سده ششم هجری به‌بعد در دوران ایوبیان یمن (حک. ۵۶۹-۶۲۶ هـ) و دوران رسولیان (حک. ۶۲۶-۸۵۸ هـ) که این شهر را پایتخت خود قرار دادند به‌چشم می‌خورد (مقحفی، ۶۹؛ عماره، ۱۴۸).

۸. صَنَعَاء، مرکز منطقه کوهستانی (جبل السراة) یمن و در میان دو کوه عَیْبَان و تَقَم واقع است؛ این شهر به‌لحاظ قدمت و عظمتش در دوره اسلامی از مراکز مهم یمن به‌شمار می‌رفته است. صنعا پایتخت یمن بود و در یمن، تهامه و حجاز شهری بزرگ‌تر، پرجمعیت‌تر و پربرکت‌تر از شهر صنعا نبوده است (ابن رسته، ۱۲۷؛ مقحفی، ۲۵۲).

استیلاي مغولان بر شرق دور تا بغداد،^۹ به اهمیت راه تجاری دریای سرخ، خاصه یمن، افزود؛^{۱۰} در این سده کاروان‌های تجاری پس از بارگیری از شرق دور به اقیانوس هند و سپس از طریق دریای سرخ به دریای مدیترانه می‌رسیدند و در اروپا بارهای خود را تخلیه می‌کردند.^{۱۱}

هم‌چنین در این دوران فعالیت‌های تجاری بازرگانان کارمی^{۱۲} (مسلمان، مسیحی و یهودی)، تجارت میان سواحل مدیترانه و سواحل اقیانوس هند را منظم و پررونق‌تر می‌کرد که شکوفایی اقتصادی و تجارت در عهد رسولیان را در پی داشت.

با وجود اهمیت موضوع تجارت یمن در قلمرو رسولیان، تا کنون پژوهش مستقلی در مورد روابط تجاری و حتی سیاسی یمن در این دوره انجام نشده است و تنها در لابه‌لای منابع و مآخذ، اشاراتی گذرا به این موضوع دیده می‌شود.

۹. منابع به تفصیل به حملات بنیان‌کن مغولان و تسلط آنان بر شهرها و راه‌های آسیایی پرداخته‌اند (رشیدالدین فضل الله، ۱۰۵۰/۲-۱۰۵۳؛ ابن اثیر، ۳۵۸/۱۲-۳۹۴).

۱۰. بادکوبه و تاجبخش، ۸۶؛ نیز نک. وثوقی، ۱۶۵؛ هم‌چنین این نکته را باید متذکر شد که در سده پنجم هجری نیز تجارت خلیج فارس و موقعیت دریایی این آبراه مهم بین‌المللی با افول جدی مواجه شده بود که در این میان، فاطمیان مصر نقشی اساسی در تغییر جهت تجارت بین‌المللی از خلیج فارس به سمت دریای سرخ بر عهده داشتند. آنها به‌خوبی با بهره‌بردن از ضعف خلافت عباسی، ضعف ایالت فارس، کم‌توجهی به سواحل جنوبی ایران در اواخر عهد آل‌بویه و دوره سلجوقیان به تقویت نفوذ خود در سواحل دریای سرخ و اقیانوس هند پرداختند (خلیفه، ۲۱۴).

۱۱. بازرگانان پس از رسیدن به دریای سرخ از دو راه خود را به اروپا می‌رساندند: راه نخست، از طریق صحرای سینا به دمشق و سپس به دریای مدیترانه و اروپا بود و دیگری پس از عبور از رود نیل به قاهره و اسکندریه و سپس به دریای مدیترانه و اروپا متصل می‌شد (Heyd, 1/306-307, 2/28-29).

۱۲. پژوهش‌گران تاکنون نتوانسته‌اند معنای مقبولی برای کلمه کارم یا کارمیه که در منابع عربی و اسناد گنیزه وارد شده، بیابند. گویتن معتقد است که این کلمه غیرعربی است و در زبان تامیلی در جنوب هند وجود دارد و به معنی اعمال و شغل‌هاست و چون روابط اصلی خاورمیانه با ساحل هند شرقی بر پایه روابط تجاری بوده احتمال دارد که این نام بر صاحبان کشتی‌ها و بازرگانانی که به این سرزمین‌ها تردد داشته‌اند اطلاق شده باشد (لییب، ۴۰۶).

تاریخ سیاسی رسولیان (حک. ۶۲۶-۸۵۸هـ)

در مورد اصل و تبار رسولیان میان مورخان همواره اختلاف نظر وجود داشته است. برخی رسولیان را از نسل سلاطین غسانی^{۱۳} دانسته^{۱۴} و برخی از ترکان^{۱۵} تنها مقریزی آنان را کرد تبار شمرده است.^{۱۶} اشاره ابن حاتم (د ۷۵۲هـ)، یکی از دیوانیان دولت ایوبیان و رسولیان، به انتساب بنورسول به غز- ترک که در عنوان کتابش، السمط الغالی الثمن فی أخبار الملوک من الغز باليمن، به چشم می خورد، مؤیدی است بر ترک بودن آنها؛ مضافا نبود دلایل کافی برای انتساب آنان به غسانیان، بررغم اقدام به جلب حمایت قبایل یمنی در این نسب سازی، این مدعا را مخدوش می سازد.

نام رسولیان از لقب محمد بن هارون نیای این خاندان برگرفته شده است که به سبب ابراز لیاقت و اعتماد در رسالت خلیفه عباسی به رسول ملقب شد.^{۱۷} نورالدین عمر، نواده محمد بن هارون، تا ۶۲۶هـ که المستنصر خلیفه عباسی او را پس از مرگ مسعود، آخرین امیر ایوبی در مکه، به امارت یمن گماشت، به سلاطین ایوبی وفادار ماند و از این پس، با لقب الملك المنصور، زبید را پایتخت خود قرار داد، اما توانست استیلای خود را به نواحی کوهستانی بسط دهد و تعز و صنعا را نیز از دست امامان زیدی خارج سازد.^{۱۸} وی سپس بر مکه دست یافت و قلمرو خود را از حجاز تا حضر موت گسترش داد.^{۱۹} بدین طریق رسولیان

۱۳. غسانیان: منسوب به قبیله غسان اند که از جنوب جزیره العرب به سمت شمال و شامات کوچ کرده و با تسلط بر برخی اراضی شامات، دولت غسانی را پی ریزی کردند و تحت حمایت رومیان بر این نواحی فرمان می راندند. آخرین آنان، جبلة بن آیهم است که با پذیرش اسلام با رومیان وارد نبرد شد (خزرجی، ۲۴/۱، ۳۶؛ همدانی، ۳۲۶-۳۲۹).

۱۴. ابن عبدالمجید، ۱۳۹؛ خزرجی، ۳۶/۱-۳۷.

۱۵. ابن تغری بردی، ۳۹۶/۲.

۱۶. مقریزی، ۷۹.

۱۷. خزرجی، ۳۷/۱.

۱۸. همو، ۲۰۴.

۱۹. فاسی، ۳۴۴/۶.

در دنیای اسلام و خارج از آن اهمیت و جایگاهی درخور توجه یافتند، چنان‌که سفیرانی با مقاصد تجاری از چین به یمن می‌آمدند^{۲۰} که افزایش روابط فرهنگی و سیاسی آنان با ایوبیان و ممالیک مصر را در پی داشت.^{۲۱}

قدرت سیاسی و شکوه فرهنگی و اقتصادی رسولیان از اواخر قرن هفتم تا سده هشتم هجری به اوج خود رسید. سلاطین رسولی در شهرهایی چون تعز و زبید، بانی عمارات بسیار شدند و از عدن با سرزمین‌های دوردستی چون هند، جنوب شرقی آسیا، چین و مصر دادوستد تجاری برقرار کردند؛^{۲۲} اما بعد از مرگ الملک الناصر احمد در ۸۲۷هـ رسولیان نتوانستند استیلای خود را بر مناطق کوهستانی حفظ کنند و کشمکش‌های داخلی و پراکندگی در دولت رسولیان ظاهر شد و شورش سپاهیان مملوک آنان و شیوع طاعون نیز وضع را بدتر ساخت و سرانجام الملک المسعود، آخرین امیر رسولی، در برابر قدرت رو به ترقی بنی طاهر،^{۲۳} امرای عدن، از سلطنت کناره گرفت.^{۲۴}

۲۰. خزرچی، ۱۸۵.

۲۱. باسورث، ۱۶۳.

۲۲. همو، ۲۱۸.

۲۳. طاهریان یا بنی طاهر خاندانی سنی مذهب از بومیان یمن بودند که در روزگار ضعف رسولیان به قدرت رسیدند و سرزمین‌های رسولیان را در جنوب یمن و تهامه پس از پایان دولت آنها متصرف شدند. چهار سلطان از این خاندان یکی بعد از دیگری سلطنت کردند و سیاست‌ها و سنت‌های اداری حامیان پیشین خود را به کار بستند. نیز نقش رسولیان را به‌عنوان بانیان بزرگ عمارات در شهرهایی چون زبید که مرکز سنت‌گرایی دینی یمن بود و ساختن مسجد و مدرسه را به‌ارث بردند. طاهریان در عدن که بندرگاه اصلی یمن بود، ارگی در برابر مملوکان مصر و پرتغالیان ساختند که آلفونسو دالبو کرک نخستین کسی بود که آن را در ۹۱۹هـ محاصره کرد. آنها هم‌چنین در آنجا ساختمان‌های بازرگانی و استحکاماتی پدید آوردند و در جبال یمن قدرت خود را علیه امامان زیدی بسط دادند و صنعا را تسخیر کردند. مملوکان مصر که آرزوی تسلط بر یمن را به‌عنوان پایگاهی برای عملیات علیه پرتغالیان در اقیانوس هند در سر می‌پروراندند بعد از ۹۲۱هـ حملات خود را به یمن آغاز کردند که به اشغال بیشتر خاک یمن و پایان یافتن حکومت بنی طاهر منجر شد. گویا تنها چند تن از امیران طاهری در نقاط کوهستانی برجای ماندند، تا این‌که حکمران عثمانی سلیمان پاشا، آخرین آنان، عامر سوم، را در ۹۴۵هـ به هلاکت رسانید (نک. باسورث، ۲۲۰).

تجارت خارجی و داخلی یمن

یمن به سبب اتصال به دریای سرخ و اقیانوس هند و نیز نزدیکی به دریای مدیترانه و خلیج فارس، واسطه تجاری میان ملل مشرق زمین و سرزمین‌های آن سوی دریای سرخ و مدیترانه بود؛ این موقعیت طبیعی و وجود محصولات خاص که بسیار مورد نیاز و توجه دیگر سرزمین‌ها بود موجب گسترش تجاری با مناطق متعددی به ویژه هند و مصر گردید؛ بازرگانان کالاها و محصولات یمن را پس از گذر از مسیر دریایی و عبور از بنادر و جزایر بسیار به بنادر هند و مصر می‌رساندند و در برگشت، کالاهای گوناگون آن مناطق را به یمن وارد می‌کردند. علاوه بر تجارت با هند و مصر، یمن با مناطق داخلی جزیره العرب به ویژه حجاز ارتباطات تجاری زمینی و دریایی داشت.

روابط تجاری یمن و هند

سرزمین هند در نظر مسلمانان، سرزمینی وسیع، مملو از عجایب^{۲۵} و خیر و برکات بود؛ دریایش را مروارید، کوه‌هایش را یاقوت و درختانش را عطر توصیف کرده‌اند.^{۲۶} ابن فقیه آنجا را سرزمینی خاص با رایحه‌های خوش، مانند عود و عنبر، جواهراتی چون یاقوت و الماس، با داروهای گیاهی مانند دارچین، سنبل‌الطیب، میخک و فلفل سیاه، حیواناتی مانند کرگدن، فیل و طاووس و نیز مرکز چوب خیزران و صندل و ساج معرفی کرده است.^{۲۷} تجار زیادی بین یمن و هند در رفت و آمد بودند و کشتی‌های یمنی و عثمانی، مسؤلیت این نقل و انتقالات مسافران و کالاها را برعهده داشتند و در این زمینه از شهرت خاصی

۲۴. باسورث، ۲۱۸.

۲۵. مسعودی، ۱۳۳/۱؛ قزوینی، ۱۲۷.

۲۶. دینوری، ۳۲۱.

۲۷. ابن فقیه، ۷۲.

برخوردار بودند.^{۲۸} تجّار هندی هم مانند تجّار یمنی برای انجام تجارت راهی یمن می‌شدند و بنادر یمن از کشتی‌های هندی استقبال می‌کردند، به نحوی که بندر عدن به ایستگاه اصلی مبادلات کالاهای هندی تبدیل شده بود.^{۲۹}

ابن مُجاور از ورود برخی کالاهای هندی هم چون هَلِیلَه، انواع وسایل چرمی، برنج، کنجد، صابون و کالاهایی مثل المَغَر الکَلَاهی (ماده‌ای طبی که از شهر کَلَه هند وارد می‌شد) و میخک به عدن گزارش می‌دهد.^{۳۰} به این کالاها که از کالاهای مصرفی و مورد نیاز یمنی‌ها بود مالیات تعلق نمی‌گرفت.^{۳۱} کالاهای دیگری هم چون فلفل و نیل (ماده‌ای رنگی)، بخور، کافور، آهن، نارگیل، انواع پارچه‌های هندی و عویلی سَنَدابوری^{۳۲} (ماده‌ای مورد استفاده در صنعت شراب‌سازی) نیز از هند وارد می‌شد که بر آنها مالیات می‌بستند.^{۳۳} این مالیات‌ها شامل خَرَزی^{۳۴} که از شهر دَیْل و غلام های حوَدَری که از هند می‌آوردند نمی‌شد.^{۳۵} دلیل بخشودگی این بود که خرزهای رنگی را زنان و کودکان برای زینت به کار می‌بردند و معافیت غلامان از مالیات به دلیل زیبارویی و خدمت کردن آنان به امیران و فرماندهان و تاجران ثروتمند بود.^{۳۶}

۲۸. مسعودی، ۱/۱۲۳؛ حدود العالم، ۴۴۰.

۲۹. مقدسی، ۸۵؛ یاقوت، ۴/۸۹.

۳۰. ابن مجاور، ۱۴۲-۱۴۳؛ لقمان، ۲۹۹.

۳۱. محمدکریم، ۲۲۷.

۳۲. سَنَدابور، جزیره‌ای در هند، مشتمل بر ۶۳ آبادی است که گرداگرد آن را خوری فرا گرفته؛ در مواقع جزر، آب جزیره، شیرین و خوش طعم و به هنگام مدّ تلخ و شور می‌باشد (ابن بطوطه، ۲/۴۲۹).

۳۳. ابن مجاور، ۱۶۱.

۳۴. مهره‌های زینتی و اسباب خرده فروشی را گویند از مهره و آیینه و شانه و امثال آن، چه خَرَزی خرده فروش باشد (دهخدا، ذیل «خَرَز»).^{۳۵}

۳۵. ابن مجاور، ۱۶۲.

۳۶. لقمان، ۳۰۲؛ محمدکریم، ۲۲۷.

سلاطین یمن اهمیت زیادی به روابط تجاری یمن و هند نشان می‌دادند؛ زیرا درآمد خزانه این دولت‌ها وابستگی فراوانی به عوارض تجارت بین یمن و هند داشت، چنان‌که سالانه چهار محموله از عدن به تعز حمل می‌شد که ارزش هر یک بیش از ۱۵۰۰۰۰۰ دینار بود. این محموله‌ها هر یک حاصل درآمد تجارت کشتی‌هایی بود که میان عدن و هند در رفت‌وآمد بودند و کالاهایی مانند ادویه از هند و اسب از عدن و جز اینها حمل می‌کردند.^{۳۷} بنابراین، سلاطین یمن به‌منظور رونق اقتصادی بنادر یمن، به‌خصوص عدن، با بازرگانان هندی و سفرای آنان محترمانه رفتار می‌کردند. به‌ویژه در زمان رسولیان سفرای زیادی بین دو کشور رفت‌وآمد داشتند و هدایای ارزشمندی هم بین سلاطین دو کشور ردوبدل می‌شد؛ برای مثال در سال ۷۷۰ هـ و بار دیگر در ۷۹۰ هـ سفرای کالیکوت،^{۳۸} در ۷۰۰ هـ، ۷۶۸ هـ و ۸۲۷ هـ سفرای کامبای،^{۳۹} در ۷۸۳ هـ سفرای ثنه^{۴۰} و در ۸۰۰ هـ سفرای سیلان به درگاه این سلاطین آمدند.^{۴۱} یمن هم متقابلاً خود سفرایی به هند می‌فرستاد؛ به‌عنوان مثال، در ۷۰۵ هـ، ۷۱۱ هـ، ۷۶۷ هـ و ۸۲۲ هـ سفرایی از یمن به هند اعزام شدند.^{۴۲}

سلاطین رسولی برای نظارت بیشتر بر امور تجارت پیوسته از بنادر یمن بازدید و درباره سلامت و درست‌کاری تجار محلی و خارجی تحقیق می‌کردند؛ از جمله المظفر رسولی در ۶۸۸ هـ به عدن وارد شد و با تجار ملاقات نمود و از آنها درباره تجارتشان پرس‌وجو کرد.^{۴۳} هم‌چنین المؤید در ۶۹۸ هـ از عدن بازدید نمود و از کار تجار و مالیات‌های نامتعارف بر تجارت آنان جويا شد و به مأموران گمرکی دستور داد در طول اقامت بازرگانان در عدن با

۳۷. ابن مجاور، ۱۶۳-۱۶۴؛ همو می‌افزاید: ارسال این محموله‌ها در روزگار ما، سال ۶۲۵ هـ قطع شده است (۱۶۴).

۳۸. ابن الدبیع، قرۃ العیون، ۹۶/۲؛ خزرجی، ۱۳۹/۲.

۳۹. خزرجی، ۱۳۵/۲؛ ابن الدبیع، ۹۶/۲.

۴۰. ثنه در غرب بمبئی قرار دارد.

۴۱. خزرجی، ۲۹۷/۲؛ غسانی، ۲۱۳.

۵. ابن الدبیع، بغیة المستفید، ۱۰۷.

۴۳. خزرجی، ۲۵۲/۱.

آنان خوش رفتاری شود.^{۴۴} الافضل رسولی نیز در ۷۷۸هـ به عدن رفت و از احوال تاجرانی که به آنجا آمده بودند و از نحوه رفتار مأموران با آنان جو یا شد.^{۴۵} الاشرف دوم هم در فاصله سال‌های ۷۸۱هـ تا ۷۹۸هـ بارها از بندر عدن بازدید کرد. او شکایات تاجران هندی را بررسی نمود و بسیاری از مالیات‌های غیرقانونی را که مأموران گمرکی در عدن وضع کرده بودند، مُلغی ساخت؛ به‌علاوه به تاجران هندی هدایای بسیاری، از جمله جواهرات، پوشاک و قاطر تقدیم کرد.^{۴۶} هدف اصلی سلاطین رسولی از این بازدیدهای مستمر جذب تجار و ترغیب نمودن آنان به تجارت با یمن بود.

روابط تجاری یمن و مصر

تجارت یمن با مصر در انحصار گروهی از تجار به نام کارمی بود. آنان نقش مهمی در گسترش روابط تجاری بین یمن و مصر ایفا می‌کردند.^{۴۷} بر طبق محتویات اسناد گنیزه قاهره، شبکه منظم و دقیقی از بازرگانان در مصر (فسطاط، اسکندریه و قاهره)، یمن (عدن) افریقیه (قیروان)، اندلس (المریا)، شام (دمشق، حلب)، سواحل هندوستان و شهرهای دیگر تشکیل گردیده بود که به‌طور مستمر و حرفه‌ای تجارت میان سواحل مدیترانه و سواحل اقیانوس هند تا چین را از طریق دریای سرخ در اختیار و انحصار خود گرفته بودند.^{۴۸} این شبکه تجاری منظم به «تجار الکرام» (مفرد آن «تاجر الکارمی») در جمع گاه به‌صورت کُرام) مشهور بودند. این شبکه بازرگانان تنها به مسلمانان محدود نمی‌شدند، بلکه تجاری از یهودیان، مسیحیان و هندوها را نیز در بر می‌گرفت.^{۴۹}

۴۴. غسانی، ۱۲۹.

۴۵. خزرجی، ۱۴۵/۲؛ غسانی، ۱۸۷.

۴۶. همانجا.

47. Ashtor, 52: Goitein, "New light", 175.

۴۸. خلیفه، ۲۱۶.

49. Goitein, 182.

با وجود گستردگی حوزه فعالیت کارمی‌ها، به‌ویژه در سراسر پهنه مدیترانه، هسته اصلی فعالیت‌های تجاری آنان در مصر و یمن بود^{۵۰} و عمده‌ترین کالاهایی که در این میان دادوستد می‌شد ادویه‌جات به‌ویژه فلفل بود؛^{۵۱} چنان‌که ابن جبیر نیز، مهم‌ترین کالاهای حمل شده از عدن به مصر را فلفل و دارچین ذکر کرده است.^{۵۲}

یکی از معدود منابعی که به ارتباط تجاری مصر- عدن توسط کارمی‌ها اشاره دارد تاریخ ثغر عدن، نوشته ابومخرمه (د ۸۷۰هـ)، است. ابومخرمه هم از ارتباط تجاری مصر و عدن یاد می‌کند و هم از ورود برخی بازرگانان با عنوان «تاجران کارمی» از مصر به یمن سخن می‌گوید.^{۵۳} وی هم‌چنین از معدود کسانی است که به کاروانسراهایی در مصر با عنوان «فندق الکارم» که مخصوص اقامت تجار کارمی بوده، اشاره کرده است.^{۵۴}

کارمی‌ها انواع محصولات و تولیدات را از سرزمین‌های غرب اسلامی و نیز یمن به هند و شرق دور می‌بردند که از جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: از مصر انواع بافته‌ها چون مُدَهَّب دمیاطی، جامه‌های کتانی و پشمی تَبَسِی، دمیاطی و دَبِیْقِی و روغن بَلَسَان؛ از مغرب (افریقیه و اندلس) جامه‌های کتان تونسی و جامه‌های حریر بافته‌شده در شهر المَریای اندلس و نیز بُسَد (مرجان) و زمرد و زعفران و قلع و فولاد و کندر؛ از یمن عنبر و کندر مخصوص منطقه شحر، نیزه‌های مشهور قَطِیْف، مشهور به نیزه خطی، چرم، شمشیر، عقیق، اسپرک، خَطَر و بردهای یمانی، وَشِیِ عَدْنِی و وَشِیِ صِنَعَا و جز اینها.^{۵۵} درمقابل، مشک، کافور، عود، انواع عطریات، عاج، ساج، صندل، توتیا، آبنوس، فلفل، سلاح، قَرْنَفَل (میخک)، بَسَبَاَه (رازیانه)، چینی‌آلات، ابریشم، دارچین، مامیران (زردچوبه چینی) کاغذ

50. fischel, 164.

51. Ibid, 158.

۵۲. ابن‌جبیر، ۱۰۱.

۵۳. ابومخرمه، ۱۶۹.

۵۴. همو، ۱۷۰؛ ابن‌دقماق، ۴۰.

۵۵. قزوینی، ۶۵.

چینی، سنبل، خیزران، سندروس و بسیاری کالاهای دیگر از هند و شرق دور به مصر حمل می‌گردید.^{۵۶}

مقارن حکومت رسولیان یمن، ممالیک مصر (۶۴۸-۹۲۳هـ) نیز به اهمیت بازرگانی بنادر دریای سرخ توجه مخصوص داشتند. شکوفایی راه دریای سرخ به ممالیک مجال می‌داد تا در عرصه بازرگانی شرق با غرب ایفای نقش کنند و نیازهای اروپا را به تولیدات هند و کالاهایی چون ادویه، عطریات و بخور مرتفع نمایند؛ از این رو دولت‌های اروپایی ناگزیر شدند برای تأمین مایحتاج خود و عبور مسالمت‌آمیز کاروان‌های تجاری از دریای سرخ، با ممالیک قراردادهای تجاری منعقد کنند.^{۵۷} رقبای سیاسی ممالیک، یعنی ایلخانان (۶۵۴-۷۵۰هـ) که از ارزش این بازرگانی آگاه بودند برای مقابله با این رونق تجاری و نتایج سیاسی آن، کشتی‌سازان جنوایی را به بغداد فرا خواندند و کشتی‌هایی را در اقیانوس هند به آب انداختند تا عدن را در محاصره دریایی قرار دهند و راه تجاری مصر به هندوستان را قطع کنند؛^{۵۸} اما سلاطین مصر که بر اهمیت این بازرگانی و درآمدهای وافر آن واقف بودند، سخت می‌کوشیدند تا بازرگانان شرقی را به قلمرو خود جلب کنند. در طی نامه‌ای با تاریخ ۶۸۷هـ از بازرگانان یمنی، هندی و چینی دعوت شده کالاهای خود را به مصر و سوریه بیاورند و به آنان اطمینان داده شد که در سایه امنیت و عدالت حاکم و وجود بازارهای

۵۶. همو، ۱۲۹؛ برای اطلاع بیشتر نک. خلیفه، «تفوق تجاری دریای سرخ بر خلیج فارس با تأکید بر تجار کارم».

۵۷. ماجد، ۲۲۵؛ یوسف، ۳۶۸.

۵۸. ابن‌عبری، ۳۱۸؛ در دوره ارغون (۶۸۳-۶۹۰هـ) تلاش شد ضربه شدیدی بر تجارت یمن و مصر وارد شود و مسیر دریای سرخ از کنترل تجار مصری و یمنی خارج گردد. احتمالاً مسیحیان ارغون را تشویق به این اقدام کرده بودند تا جهازاتی را که از هندوستان از طریق دریای سرخ به مصر می‌رفتند مجبور کنند به هرمز در خلیج فارس بروند (پیگولوسکایا، ۳۵۶)؛ به‌نوشته ابن‌عبری، ارغون درصدد اجرای این طرح بود و به‌همین دلیل نهصد دریانورد و کشتی‌ساز جنوایی را به‌خدمت گرفت و وسایل و چوب مورد نیاز تهیه شد؛ ولی نقشه او به‌دلیل درگیری بین خود جنوایی‌ها بی‌نتیجه ماند (کریمی، ۶۴).

پرونیق از سود فراوان برخوردار می‌شوند.^{۵۹}

اهمیت بازرگانی در این دوره چندان بود که منصب جدیدی در مصر با عنوان «ناظر بیوتات» شکل گرفت. به‌گفته قلقشندی (د ۸۲۱هـ) ناظر بیوتات وظیفه داشت به بازرگانان کارمی که از یمن می‌آیند خوشامد گوید و نیک‌خواه ایشان باشد و محترمانه با ایشان رفتار کند و عدالت را درباره آنان روا دارد، تا چنان شود که ایشان آن یمن را که در یمن نیافته بودند در مصر بیابند، و درباره بازرگانانی که از غرب می‌آیند نیز چنین کند و آنان را، خواه مسلمان باشند خواه فرنگی، به مهربانی پذیرا شود و به عدالت با ایشان رفتار کند؛ زیرا سودی که از ایشان عاید می‌شود بسیار زیاد است.^{۶۰}

روابط تجاری یمن و حجاز

مهم‌ترین شهرهای حجاز، مکه، مدینه و طائف و مهم‌ترین بنادر آن یَنبُوع، جار و جُدّه بود. دو عامل حجاز را به مرکز تجاری بزرگی برای بازرگانان یمنی تبدیل کرده بود: اولین عامل، زائران مسلمان بودند که از اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی برای حج به مکه می‌آمدند و کالاهایی برای عرضه در بازارهای مکه با خود همراه می‌آوردند.^{۶۱} در این میان، تجار نیز اغلب همراه با کاروان‌های زائران به مکه می‌آمدند و به دادوستد می‌پرداختند. از این رو هر گونه کالا و متاعی در فصل زیارت در مکه یافت می‌شد.^{۶۲} دومین عامل ارتباط مکه با بندر جدّه بر ساحل دریای سرخ بود که روابط تجاری مستحکمی با یمن، مصر و سوریه داشت، چندان که بسیاری از فراورده‌های این سرزمین‌ها در بازارهای حجاز به‌ویژه مکه به فروش می‌رسید.

۵۹. ابن‌الفرات، ۶۵/۷.

۶۰. قلقشندی، ۳۲۰/۱۱.

61. shamrookh, 248.

۶۲. ابن‌جبیر، ۹۷.

روابط تجاری یمن و حجاز پس از استیلای رسولیان بر باب‌المنذب در قرن هشتم هجری و به‌مخاطره افتادن تجارت حجاز که منجر به تبعیت امرای حجاز از سلاطین یمن گردید، رو به بهبود نهاد و سلاطین رسولی نیز با هدف حفظ موقعیت سیاسی و رونق بازرگانی خود، ضمن استمالت از امرای حجاز به‌ایجاد رقابت میان آنان پرداختند.^{۶۳} این اقدامات سبب تجدید قدرت رسولیان در حجاز گردید، چندان‌که نام این سلاطین در خطبه‌های مکه ذکر می‌شد و در عهد مظفر رسولی، در خانه کعبه، توسط او با طلا و نقره مزین گردید و بارها پرده کعبه توسط او آویخته شد.^{۶۴}

با این‌همه، مناسبات میان امرای مکه و سلاطین یمن، به‌ویژه در دوره رسولیان خالی از تنش نبود و در برخی مواقع اقدامات استقلال‌طلبانه امرای مکه موجبات تیرگی مناسبات را فراهم می‌آورد؛ مثلاً می‌توان از اقدام شرفای مکه از جمله علی بن عجلان و عنان بن مقامیس در توقیف کالای تجار یمن در سال ۷۸۹هـ اشاره کرد که سه کشتی کارمی را که حامل ۶۰۰ هزار مثقال طلا بود در مسیر یمن به مصر در جده تصرف کردند؛^{۶۵} نیز در ۷۹۵هـ آنان به کاروان‌های تجاری یمن که از طریق مسیر زمینی از یمن به مکه می‌رفت حمله و همه کالاهای تجار یمنی را مصادره کردند؛^{۶۶} اما در ۷۹۸هـ زمانی که شریف حسن بن عجلان قدرت را در مکه به‌دست گرفت، کوشید فعالیت‌های تجاری بندر جده را احیا کند. او یک‌سوم مالیات وضع شده بر کالاهای بازرگانان در جده را کاهش داد و به‌ایجاد صلح و ثبات در حجاز پرداخت و از تجار خارجی در طول اقامتشان در مکه یا جده و در طی فعالیت‌های تجاری‌شان حمایت می‌کرد. افزون بر اینها، برای حفاظت و حمایت از تجار یمنی، در سال ۷۹۹هـ با پرداخت مبالغی پول به تعدادی از شرفا، آنان را از تاخت‌وتاز

۶۳. الفیفی، ۱۵۵.

۶۴. خزرجی، ۱۳۰/۱، ۱۵۲، ۱۶۳.

۶۵. فاسی، ۸۷/۷؛ مقریزی، ۵۶۳/۳.

۶۶. همو، ۲۱۲؛ برای اطلاع بیشتر نک. شمروخ.

به کاروان‌های تجاری که در حال تردد بین مکه و جده بودند بازداشت؛^{۶۷} حتی وقتی که وی در سال ۸۰۱ هـ متوجه شد گروهی از شرفا قصد حمله به کاروان‌های یمنی را دارند شخصا کاروانیان را تا مقصد همراهی کرد.^{۶۸} در نتیجه این اقدامات به تدریج تاجران یمنی تشویق شدند که برای تجارت به مکه بیایند و بدین ترتیب درآمدهای مالیاتی زیادی نصیب خزانه شرفای مکه شد.^{۶۹} به‌نوشته فاسی، در اواخر رمضان ۸۰۲ هـ ده کشتی کارمی وارد جده شدند و شرفای مکه سود قابل توجهی در آن سال به‌دست آوردند؛^{۷۰} هم‌چنین در سال ۸۲۱ هـ در نتیجه بهبود روابط حجاز و یمن و کاهش میزان مالیات‌ها، گروه عظیمی از تاجران یمنی به جده و مکه سرازیر شدند.^{۷۱}

نتیجه

در فرمانروایی سلسله رسولیان، یمن وارد دوره‌ای از رونق و شکوفایی تجاری شد؛ این رونق تجاری در طول سده‌های هفتم تا نهم هجری را می‌توان معلول عواملی چند دانست:

۱. در سده هفتم هجری با استیلای مغولان بر شرق دور تا بغداد، راه‌های تجاری این مناطق ناامن و از رونق افتاد و به‌جای آن راه تجاری دریای سرخ که شرق را به غرب متصل می‌کرد، شکوفا شد و یمن به‌سبب تسلط بر این راه از اهمیت اقتصادی و تجاری فراوانی برخوردار گردید. اهمیت این راه و اقدامات گسترده رسولیان یمن و نیز ممالیک مصر در جهت تأمین امنیت این راه و حفاظت از حقوق تجار موجب شد که یمن به‌ایجاد روابط تجاری گسترده‌ای با مصر و هم‌چنین با هند و حجاز و دیگر سرزمین‌ها دست زند.

۶۷. همو، ۹۱

۶۸. همو، ۲۱۰.

۶۹. همو، ۹۰/۴؛ قلقشندی، ۲۷۶/۴.

۷۰. فاسی، ۹۵/۴.

۷۱. همو، ۱۲۸.

۲. فعالیت‌های تجاری بازرگانان کارمی (مسلمان، مسیحی و یهودی)، تجارت میان سواحل مدیترانه و سواحل اقیانوس هند تا چین را منظم و پررونق می‌کرد.
۳. سیاست داخلی سلاطین رسولی، از جمله تعامل سازنده با بازرگانان، ایجاد نظم و امنیت در معاملات و نظارت بر بنادر و اهمیت بخشیدن به تجارت دریایی به جهت درآمدهای قابل توجه آن موجب شد که یمن به‌عنوان کانون اصلی تجارت دریایی در این سده‌ها، نقش بسیار مهمی در تبادلات اقتصادی دریای سرخ و حوزه اقیانوس هند ایفا کند.

کتابشناسی

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵م.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، سفرنامه ابن بطوطه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹ش.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابی‌المحسن یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، القاهرة، مطبعة الدارالکتب المصرية، ۱۹۳۵م.
- ابن جبیر، محمد بن احمد، رحلة ابن جبیر، بیروت، دار للطباعة و النشر، ۱۹۸۴م.
- ابن دُماق، ابراهیم بن محمد، الانتصار لواسطة عقد الامصار، بیروت، منشورات دارالآفاق، ۱۸۹۳م.
- ابن دُبَیح، عبدالرحمن بن علی، قره العیون بأخبار الیمن المیمون، تحقیق محمد بن علی اکوع، القاهرة، مطبعة السلفية، ۱۳۷۴هـ.
- همو، بغیة المستفید فی تاریخ مدینة زبید، تحقیق عبدالله الحبشی، صنعاء، مرکز الدراسات و البحوث، ۱۳۷۴هـ.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الأعلاق النفیسة، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۲م.
- ابن عبدالمجید، تاج الدین عبدالباقی، بهجة الزمن فی تاریخ الیمن، تحقیق محمد الحبشی، صنعاء، دارالحکمة الیمانیة، ۱۴۰۸هـ.
- ابن عبری، غریغوریوس ملطی، تاریخ مختصر الدول، بیروت، دارالمشرق، ۲۰۰۷م.
- ابن الفرات، ناصرالدین محمد، تاریخ ابن الفرات، تحقیق زریق قسطنطین، بیروت، ۱۹۴۲م.
- ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، تحقیق یوسف هادی، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۶هـ.

ابن مجاور، یوسف بن یعقوب، صفة بلاد اليمن و مكة و بعض الحجاز، تحقیق ممدوح حسن محمد، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۹۹۶م.

ابومخرمة، ابومحمد عبدالله طیب، تاریخ ثغر عدن و تراجم علمائها، تحقیق اوسکر لوفجرین، لیدن، ۱۹۳۶م.

ادریسی، ابی عبدالله محمد، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، بیروت، عالم الكتب، ۱۴۰۹هـ.

الفیفی، محمد بن یحیی، الدولة الرسولية فی اليمن، الدار العربية الموسوعات، ۲۰۰۵م.

بادکوبه، احمد و تاجبخش، قدریه، «روابط بازرگانی آراگون و قشتاله با بیبرس و تحریم اقتصادی مصر»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، شماره دهم، ۱۳۸۸ش.

باسورث، ادموند کلیفورد، سلسله‌های اسلامی جدید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات باز، ۱۳۸۱ش.

بروسوی، محمد بن علی، اوضح المسالك الى معرفة البلدان، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۷هـ.

پیگولوسکایا، نینا ویکتوروننا، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان قرن هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، موسسه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ش.

حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش.

حمیری، محمد بن عبدالمنعم، الروض المعطار فی خبر الأقطار، تحقیق احسان عباس، بیروت، مكتبة لبنان ناشرون، ۱۹۸۴م.

خزرجی، علی بن حسن، العقود اللؤلؤیة فی تاریخ الدولة الرسولية، تحقیق محمد بسینوی، صنعاء، دارالادب، ۱۴۰۳هـ.

خلیفه، مجتبی، «تفوق تجاری دریای سرخ بر خلیج فارس در سده‌های پنجم و ششم هجری: با تأکید بر نقش تجار کارم»، کتاب خلیج فارس فرهنگ و تمدن، مجموعه مقالات، ۱۳۸۷ش.

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.

رشیدالدین همدانی، فضل‌الله، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، ۱۳۶۲ش.

عمارة اليمنی، نجم الدین، تاریخ اليمن، تحقیق محمد بن علی الاکوع، قاهرة، ۱۹۶۷م.

غسانی، اسماعیل بن عباس، العسجد المسبوك و الجوهر المحکوک فی طبقات الخلفاء و الملوك، تحقیق شاکر محمود عبدالمنعم، بغداد، دارالتراث الاسلامیة، ۱۳۹۵هـ.

فاسی، تقی‌الدین محمد بن احمد، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶هـ.

فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ش.

قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.

قلقشندی، احمد بن عبدالله، صبح الأعشى فی صناعة الانشاء، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۱۵م.

کریمی، علیرضا و رضایی، محمد، «روابط تجاری ایران و جنوا در دوره ایلخانان»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهراء، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۲ش.

لیب، صبحی، «التجارة الكارمية و تجارة مصر فی العصور الوسطی»، المجلة التاريخية المصرية، شماره ۴، ۱۹۵۲م.

لقمان، حمزة علی ابراهیم، تاریخ عدن و جنوب الجزيرة العربية، القاهرة، دارمصر للطباعة، ۱۳۷۹هـ.

ماجد، عبدالمنعم، العلاقات بین الشرق و الغرب، بیروت، مكتبة الجامعة العربية، ۱۹۶۶م.

محمدکریم، ابراهیم، «العلاقات التجارية بین عدن و الهند خلال القرنين السادس و السابع الهجريين»، بصره، مجلة المورخ العربي، شماره ۳۳، ۱۴۰۷هـ.

مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق یوسف اسعد داغر، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹هـ.

مقحفی، ابراهیم احمد، معجم المدن و القبائل الیمنیة، صنعاء، دارالکلمة، ۱۹۸۵م.

مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، الذهب المسبوك فی ذکر من حج من الخلفاء و الملوك، تحقیق جمال‌الدین الشیال، القاهرة، مكتبة الخانجي، ۱۹۵۵م.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، بیروت، دار صادر، بی تا.

وثوقی، محمد باقر، علل و عوامل جابجایی کانون‌های تجاری در خلیج فارس، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹ش.

همدانی، حسن بن احمد، صفة جزيرة العرب، تحقیق محمد بن علی الاکوع، صنعاء، مكتبة الارشاد، ۱۴۱۰هـ.

یاقوت حموی، شهاب‌الدین، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.

یوسف، عبدالقادر احمد، العصور الوسطی الاروبیة، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۹۶۷م.

- Ashtor, Eliyahu, "The Karimi Merchants", London, *Studies on the Levantin Trade in Middle Ages*, 1978.
- Fischel, Walter, "The Spice trade in Mamluk Egypt", *JESHO*, I, 1958.
- Goitein, S.D, "New Lights on the Beginnings of the Karim Merchants", *Journal of the Economic and Social History of Orient*, 1958.
- Heyd, W, *Histoire du Commerce du Levant au Moyen Age*, Leipzig, 1889.
- Shamrookh, Nayef Abdullah, *The Commerce of the Rasulids in the Yemen*, Kuwait, 1996.